



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۰۹

صلاح الدین سعیدی

بازی دیگران! / د نورو لوبه!



روزانه چندین موتر دريست را سپاه پاسداران ايران پُر و کاکه دیگری تمویل شده به دست سوم، بر سر انتقال هر هیروئینی از بندر اسلام قلعه و ... از سرحدات ایران تا زیر پل خشتی کابل رسانده، دو چند کرایه یک مسافر عادی از اسلام قلعه تا پل خشتی کابل را دریافت می کند. بلی لالا قندو چنین وعده داده و خوب می پردازد. موتروانی که از اسلام قلعه به کابل هیروئینی می آورد نمی داند که کی و چرا پولش را شخص در کابل میدهد و دانستن هم نمی خواهد! برایش جالب هم نیست!

هیروئینی ای که از اسلام قلعه به کابل مفت و رایگان آورده و انتقال می شود نمی داند، چرا کاکای ترانسپورت این قدر جوانمردی همایش کرد که مفت انتقالش داده و ممنون احساسش است و به کاکا درپور دعای خیر نیز می کند. هیروئینی نمی داند که در سیاست خیر و خیرات نیست و گربه موش از برای رضای خدا نمی گیرد. این بازی های دیگران، تفنگ دیگران، مرمی و مین دیگران، داعش و طالب دیگران و قربانیان افغان و افغان بیچاره سرزمین افغانستان و خارج از آن است.

سیم خاردار، خندق، دروازه را در داخل کشورم و در داخل خاکم کشید و این پروسه در حال تکمیل است. جنرال، سرباز و ظنم قربانی شد، اما من به حیث حاکم و ممثل دفاع از مصالح و منافع افغان صرف و صرف با لاف و پتاق مصروفم، می گویم و فریب می دهم که: من به کس اجازه نمی دهم که سیم خاردار و سرحدات در داخل افغانستان بسازند. بیادر لاف زن.

کار درین عرص جریان دارد و در حال تکمیل شدن است.

می دانیم که یک جانب دروغ می گوید، اما راه حل چیست؟ و ازین ورطه چه نوع نجات یافت؟

سپردن کار به اهلش!

مراجع استخباراتی و امنیتی ما یا مسلکی نیستند، میراثی و روابطی اند و یا با صداقت احساساتی خالی قربانی می شوند. به کی اعتماد کنیم؟؟ الهی رحم!

